

## اصول تربیت در ادعیه معصومین (ع)

### علی تردست<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد، مدرسی الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، طلبه درس خارج حوزه علمیه قم

### نویسنده مسئول:

علی تردست



### چکیده

فعالیت های تربیتی از جمله فعالیت های اساسی است که در حیات فردی و جمعی انسان، تأثیری انکار ناپذیر دارد. این فعالیت ها برای تحقق اهداف مورد نظر، تابع اصل یا اصولی است. مشخص کردن اصول تربیت از جمله اقدامات اساسی است که باید قبل از هر کاری انجام پذیرد. لذا در منابع تربیت دینی نباید اولویت را به پیگیری شیوه های جزئی داد بلکه نیل به اصول و قواعد که در برگزیده چارچوب تربیتی از منظر دین است یگانه انتظار صحیح و مناسبی است که در مواجهه با این منابع باید مدنظر قرار گیرد. گفتار ائمه معصومین (ع) در ادعیه به عنوان نمونه ای غنی از منابع مزبور با این رویکرد مورد توجه قرار گرفته است.

در این مقاله پس از بررسی بخشی از تعاریف و بحث های ارائه شده توسط صاحب نظران تربیت، به جایگاه تربیت در اسلام و اهمیت و ضرورت اصول در تربیت پرداخته شده و در نهایت چند اصل مهم تربیتی در ادعیه معصومین (ع) مورد بحث قرار گرفته که عبارتند از: توحید محوری، نیت خالص، اعتدال، اعتقاد به فضل الهی.

برخواننده روشن است که اصول تربیت در ادعیه به چند اصل مذکور محدود نیست و نویسنده در این نوشته فقط به چند اصل مهم تربیتی اشاره کرده است. روشی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است روش توصیفی اکتشافی است و نحوه جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای بوده است و در این تحقیق از منابع دست اول و همین طور از منابع دست دوم استفاده شده است.

**کلمات کلیدی:** اصول، تربیت، ادعیه.

**مقدمه**

یکی از موضوعات مطرح شده در تمام دوران و در تمام تمدن ها و نزد همه اقوام، موضوع تربیت است. تقریباً هیچ قومی و مکتبی در ضرورت تربیت انسان شک نداشته است چون حداقل، احتیاج مبرم کودک انسان به مراقبت تا هنگامی که فرد بتواند متکفل امور خود شود بسیار بدیهی و روشن است. بنابراین در ضرورت تربیت اختلافی نیست. اما در مفهوم تربیت و نحوه تربیت و جهت تربیت، ایده آلهای و آرمانهای تربیت، هر صاحب فکر و اندیشه‌ای و هر مکتبی راهی را پیموده است و نظریات و فرضیات مختلفی را ارائه داده است.

هر مکتب تربیتی بُعدی از ابعاد انسان را مورد توجه قرار داده و نظام تربیتی خود را برای تربیت همان بُعد بنا نهاده است و دیگر ابعاد را نادیده و یا کم اهمیت گرفته است، مثلاً محققین علم روان شناسی برای تربیت و اصلاح روان انسان طرح ریزی کرده اند و محققین جامعه شناسی روی بُعد اجتماعی انسان تأکید کرده و برای تکامل اجتماعی انسان برنامه داده اند. اما به ابعاد دیگر نپرداخته اند.

تمام ضعف ها و کاستی های مکاتب تربیتی به ضعف و سستی بینش آنها در مورد انسان بر می‌گردد. چون این ها همه، راه هائی است که بشر با شناخت ناقص خود از انسان و انسانیت برای مشکلاتش پیشنهاد کرده است هر کدام یک جنبه و احتیاجات آن جنبه را دیده و برنامه ریزی کرده و به علت محدود بودن دید بشری نتوانسته همه ابعاد را با هم و به مقدار اهمیتشان ببیند. اما ادیان الهی که همه محور اصلی برنامه هایشان انسان و تربیت انسان است، به مقتضای اتصالشان به منبع وحی الهی تمام ابعاد و جودی انسان در برنامه هایشان مورد توجه قرار گرفته است، و بدون شک تمام اصول و روشها حتی نکات لازم برای تربیت بشر را شامل می باشند. و از میان ادیان الهی، دین مبین اسلام که آخرین دین الهی است و بامعجزه جاویدان پیامبر (ص) قرآن کریم، برای تمام بشریت تا روز قیامت نجات بخش است، مسلماً حاوی کامل ترین برنامه های تربیتی است.

در راستای احساس این ضرورت برای اینکه بتوانم برای این امر مهم قدمی بردارم تصمیم گرفتم با تعمق بر روی ادعیه معصومین (ع) به غیر از صحیفه سجاده که نکات تربیتی از آن استخراج شده، چهار اصل از اصول تربیتی را به قدر توان هر اندازه که توفیق الهی مرا همراهی کند، شرح و توضیح دهم.

**مفهوم شناسی**

تبیین واژه ها و اصطلاحات در هر رشته ای، ذهن خواننده را از تداعی معانی دیگر باز می دارد و او را در فهم درست مطالب یاری می نماید. بنابراین در بخش اول به تعریف مفاهیم تحقیق می پردازیم.

**الف ( اصل**

اصل در لغت به معنای اساس، بیخ و بن، قاعده، قانون و پایه است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲۷: ۱۳۷۷) در قرآن کریم اصل در معنای ریشه و بنیان و اساس مورد استفاده قرار گرفته است. در آیه ۶ سوره صافات این معنای اصل مد نظر است می فرماید: «... انها شجرة فی اصل الجحیم...» مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ذیل این آیه می نویسد: «... و جمله وصف شجره زقوم است و اصل جحیم به معنای قعر جهنم است.» (طباطبائی، ۱۳۶۲، ج ۱۷: ۲۱۱).

آیه دیگری که معنای ریشه و پایه را از واژه اصل افاده می کند این آیه است: «الم تر کیف ضرب الله مثل کلمة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء توتی اکلها کل حین باذن ربها...» (ابراهیم ۲۴) مرحوم علامه طباطبائی ذیل این آیه می نویسد: «...اینکه فرموده «اصلها ثابت» معنایش این است که ریشه اش در زمین جای گرفته و با عروق خود در زمین پنجه زده است.» (طباطبائی، ۱۳۶۲، ج ۱۲: ۲۱)

در اسلام وقتی که از اصل صحبت می شود مراد زیر بنا، ریشه و بنیانهایی است که نمی توان از آن تخطی کرد، مثلاً اصل توحید یعنی لا اله الا الله، در تمام شئون اعتقادی و عبادی و عمل انسان باید ساری و جاری باشد. جز خداوند، هر کس و هر چیز را عبادت کردن شرک است و هر گونه عبادتی که در آن شائبه و توهم عبادت غیر خدا باشد ریا و در اسلام ممنوع است. همچنین اصل نبوت به معنای پیام رسانی و پیام بری است که به پیامبر اسلام (ص) ختم می شود. اجازه تخطی از این اصل یعنی رساندن پیام غیر خدا به پیامبر (ص) داده نشده است. (احمدی، ۱۳۸۶، ۴۷)

در تحقیق حاضر با توجه به تعاریفی که در ادامه آورده خواهد شد این موضوع قابل درک است که منظور از اصل، قاعده ای عمومی است که می توان آن را به منزله دستورالعمل کلی در نظر گرفت و از آن به عنوان راهنمای عمل در تدابیر تربیتی استفاده کرد.

دکتر شریعتمداری اصول تعلیم و تربیت را این گونه تعریف می کند: «اصول تعلیم و تربیت از نظر نگارنده مفاهیم، نظریه ها و قواعد نسبتا کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مربیان، معلمان، مدیران، اولیاء فرهنگ و والدین دانش آموزان در کلیه اعمال تربیتی باشد.» (شریعتمداری، ۱۳۸۶، ۹)

مرحوم دکتر هوشیار چند تعریف از اصول آورده است: ایشان اصل تربیتی را به مبنای رفتار شاگرد، معلّم و اساس رفتار پرورش می داند و معتقد است اصول را باید از نیازهای فردی و اجتماعی عوامل موجود استخراج نمود. (هوشیار، ۱۳۴۷، ۲۷) «اصول عبارت از تکیه گاه های نظری است که از در حیات استخراج شده و هم آنرا به عنوان ملاک عمل باید در نظر گرفت.» (هوشیار، ۱۳۴۷، ۵۶)

در کتاب اصول و روش های تربیت در اسلام، اصول این طور تعریف شده است «اصول تربیت عبارت از مبانی عقلانی و مقیاس هایی است که به وسیله آن می توان رفتار مطلوب پرورشی را به انجام رساند.» (احمدی، ۱۳۸۶، ۴۶) بنابراین هرچند معنای لغوی اصل، بن و ریشه است ولی ما از مبانی نمی خواهیم بحث کنیم.

### ب) تربیت

تربیت واژه ای است عربی از ماده «رَبَو» مصدر باب تفعیل است که به معنای رشد و نمو و پرورش دادن است. در قرآن ماده تربیت و ریشه آن به کار رفته است در سوره حج آمده است: «و تری الارضَ هامده فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربّت» (حج ۵). و زمین را خشک و بی حاصل می بینی، پس وقتی باران را بر آن فرود می فرستیم تکانی می خورد و رشد و نمو گیاهان در آن آغاز می شود.

«رَبّت» که در این آیه به کار رفته به معنای رشد و نمو است. در سوره اسراء درباره ارتباط فرد با والدین خود چنین می گوید: «وَوَلِّ رَبًّا ارْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء ۲۴) و بگو خدایا پدر و مادرم را مورد عنایت و رحمت خود قرار ده همانگونه که مرا در کودکی پرورش دادند.

«رَبَّیَا» در این آیه فعل ماضی از مصدر «تربیت» است و ناظر به تلاش پدر و مادر برای آماده ساختن محیط و پرورش شخصیت کودک خویش است. (احمدی، ۱۳۸۶ ص ۶)

با توجه به توضیحاتی که در خصوص معنای لغوی تربیت و ریشه آن بیان شد ابتدا چند تعریف را ذکر می کنیم و در پایان یک تعریف که از همه تعاریف جامع تر باشد ارائه می نمائیم.

«تربیت را می توان رشد طبیعی و تدریجی و هماهنگ همه نیروها و استعدادهای آدمی دانست یا تربیت را ارائه نوعی زندگی قلمداد کرد که با ساخت شخصیت انسان مطابقت داشته و بر ارزشهای معنوی وی مبتنی است.» (احمدی ۱۳۸۶، ۲۱) شهید مطهری تربیت را پرورش دادن استعدادهای درونی ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن می داند. (مطهری، ۱۳۶۳، ۵۶)

با توجه به این تعریف تربیت همه قوای بالقوه انسان را به صورت بالفعل در می آورد.

در تعریف دیگر که تعلیم و تربیت با هم بیان گردیده آمده است: «تعلیم و تربیت عبارت است از انتقال معلومات و مهارتها از معلّم و مرتّبی به متعلّم و مرتّبی.» (جهان معین، ۱۳۷۰، ۱۲)

با توجه به تعاریفی که در بالا ذکر شد به نظر می رسد تعریفی که در کتاب تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روشها) ارائه شده است نسبت به سایر تعاریف جامع تر می باشد که در زیر بیان خواهد شد: «تربیت عبارتست از فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای انسان در جهت مطلوب.» (شکوهی یکتا، ۱۳۷۵، ۴)

### ج) اصل تربیتی

پس از تعریف واژه هایی چون اصل و تربیت و تعریفی ساده از اصل تربیتی، حال می بایستی در صدد پاسخ گویی به این سؤال بر آییم که مراد و منظور از اصل تربیتی چیست؟ اگر بتوانیم پاسخ قانع کننده ای برای این سؤال پیدا کنیم تا اندازه زیادی ما را در راه رسیدن به یک تعریف کامل و پیدا کردن اصول تربیت مددکار خواهد بود.

اگر جریان تربیت، هدایت مترّبی از سوی مربّی برای رسیدن به کمال مورد نظر خالق تلقی و اصل نیز قاعده ای بنیادین و اجتناب ناپذیر برای این جریان تلقی شود آن گاه اصل تربیتی ریشه و بنیانی خواهد بود که بر کل جریان تربیت از ابتدا تا انتها حاکم و ناظر است و در هیچ موقعیتی امکان تخطی از آن وجود ندارد.

شکوهی در بحث اصول تعلیم و تربیت این چنین آورده است: «اصول تعلیم و تربیت برای مرتبان به منزله ابزاری است که با استفاده از آن می توانند به موقع و در عین حال با روشن بینی کافی تصمیم بگیرند و وظایف تربیتی خویش را به نحو رضایت بخشی انجام دهند» (شکوهی، ۱۳۷۴، ۸۴).

### جایگاه تربیت و ضرورت به کارگیری اصول

برای اینکه انسان بتواند نسبت به یک امر اشراف کامل داشته باشد باید جایگاه آن را در نظام هستی تبیین می کرد. بنابراین برای اینکه بحث تربیت در ادعیه را مورد بررسی قرار دهیم می بایست ابتدا جایگاه تربیت در اسلام مشخص شود.

#### الف) جایگاه تربیت در اسلام

انسان شگفت ترین مخلوق خداوند و والاترین نشانه قدرت حق است. انسان متعهد به اتصاف به همه صفات و کمالات الهی است و آفریده شده است تا به مقام خلیفه اللهی رسد و این سیر جز با تربیت حقیقی میسر نمی شود.

انسان دارای، حقیقتی ملکوتی است که با طی مراتبی، قوس نزولی را طی کرده است و در این مرتبه خاکی و در پائین ترین مراتب قرار گرفته است و با تربیت می تواند به قوس صعودی برسد و متصف به والاترین کمالات شود. خدای متعال در این باره یاد آور شده است: «لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم ثم رددناه اسفل سافلين الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات فلهم اجر غير ممنون» (تین ۶-۴). هر آینه انسان را در نیکوترین صورت و هیأت آفریدیم، آن گاه او را به پائین ترین مرحله بازگرداندیم. مگر آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، پس ایشان را پاداشی تمام نشدنی است.

پیام آوران الهی آمده اند تا زمینه های چنین تحوّل مقدّسی را فراهم کنند انسان را از مرتبه اسفل به اعلا بکشانند و از ظلمات حیوانیت به نور انسانیت برسانند. تربیت در سنت پیام آوران الهی خروج از ظلمات به سوی نور است. و کتاب انبیاء کتاب تربیت انسان است. اگر این تحوّل نورانی بر اساس تربیتی ربّانی در انسان محقق نشود، انسان در مرتبه حیوانیت خود متوقف می ماند و استعدادهای خود را در این جهت به کار می گیرد. همه تلاش پیام آوران الهی بر این بوده است که انسان تربیت کند. (دلشادتهرانی، ۱۳۸۲، ۱۷).

بنابراین اگر حقیقت این موضوع را بنگریم که خلقت انسان به منظور رشد و تکامل معنوی او و مسیر قوس صعودی و متصف به صفات الهی شدن است و هدف از بعثت انبیاء فراهم کردن زمینه ها و شرایط به سوی این مرتبه است جایگاه تربیت روشن خواهد شد.

بر اساس دیدگاه اسلام بخش روحانی، عنصر اساسی وجود آدمی را تشکیل می دهد که هدف تمامی انبیاء همین جنبه و در رأس آن برنامه های انسان سازی است. بنابراین تربیت صحیح انسان در رأس تعلیم دینی و اسلامی قرار می گیرد که در اهمیت آن آیات و روایات فراوانی گفته شده است. (رهبر و رحیمیان، ۱۳۷۷، ۱۰).

حضرت علی (ع) در خصوص عدم سودمندی طاعات و عبادات و تهجد در صورتی که همراه با تربیت و اخلاق اسلامی نباشد می فرماید: «کم من صائم لیس له من صیامه الا الجوع و الظمأ و کم من قائم لیس له من قیامه الا السهر و العناء». بسا روزه داری که بهره ای جز گرسنگی و تشنگی از روزه داری خود ندارد و بسا شب زنده داری که از شب زنده داری چیزی جز رنج و بی خوابی به دست نیاورد. (دشتی، ۱۳۷۹، ۴۷).

حضرت امام (ره) هم با تمثیلی در این خصوص می فرماید: «مثل کسانی که اصلاح نفس نکرده یا از معاصی اجتناب نکرده مثل کسی است که بذر را در شوره زار کشت کند. البته چنین زراعتی نتیجه ی مطلوب ندهد.» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ۲۰۰).

#### ب) اهمیت و ضرورت اصول در تربیت

شناخت اصول و قواعد و قوانین هر کاری و پایبندی به آن از مهم ترین شرطهای توفیق در آن کار است. بر آدمی واجب است که برنامه و عمل خود را مقرون به شناخت اصول و حدود کند تا نیروهای خود را در امور بیهوده صرف ننماید و بتواند از نیروها به صورت درست بهره گیرد. زیرا برای رسیدن به کمال که لازمه آن قدم برداشتن در مسیر تربیت صحیح است شناخت اصول و استفاده درست و جامع از آنها بسیار مددکار انسان خواهد بود.

از این رو توجه به اصول در امر تربیت و شناختن و به کار گرفتن آنها در عمل از مهمترین وجوه کار تربیت است و پایبندی به این اصول، بیشترین نقش را در ساماندهی تربیت وطنی مسیر به سوی اهداف تربیت ایفا می کند.

## اصول تربیت

## ۱. اصل نیت و انگیزه الهی

اولین اصل از اصول تربیت، اصل نیت است. امام صادق (ع) می فرماید: «اللهم و قد علمت أن أفضل زاد الراحل اليك... اخلاص النية» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۰، ص ۲۱۱). خدایا به درستی دریافتم برترین توشه کسی که می خواهد به سوی تو رهسپار شود نیت خالص است.

نیت به معنای قصد و واسطه میان علم و عمل است. هر عملی که مبتنی بر اراده است بدون نیت تحقق نمی یابد و طبیعی است نیت آدمی ریشه در اعتقاد او دارد که می تواند الهی باشد یا غیر الهی. (رهبر و رحیمیان، ۱۳۷۷، ۴۹). روشن است که تربیت در آئین اسلام به عنوان عملی که بر اساس اراده قوی وجود خارجی پیدا می کند، با انگیزه الهی صورت می پذیرد و مانند سایر اعمال مؤمن باید «لوجه الله» انجام شود. یعنی هنگامی که مرتبی قصد تربیت می کند لازم است این فعل او از اطاعت فرمان الهی نشأت بگیرد. در این صورت چون نیت تقرب به خداست عمل نیز عبادت به درگاه پروردگار خواهد بود. اصالت نیت در تربیت بدین معناست که مرتبی و تربیت پذیر با قصد تقرب به خدا و با انگیزه الهی به امر تربیت روی آورند و تمام آنچه را که در جهت شکل گیری شخصیت اخلاقی و تکامل انسانی انجام می دهند با قصد رضای خدا و تقرب او و پاداش اخروی به انجام برسانند. همان گونه که قرآن به پیامبر اکرم (ص) خطاب می کند: «قُلْ مَا اسئلكم عليه من اجر الا من شاء ان يتخذ الى ربه سبيلاً» (فرقان ۵۷)

با اختلاف درجات معرفت، نیت نیز اختلاف می پذیرد. امام صادق (ع) می فرماید: نیت به مقیاس صفای معرفت در قلب ظهور می کند و بر حسب اختلاف درجات ایمان و قوت و ضعف آن مختلف است. آن کس که نیت خالص دارد نفس و هوای او تحت نفوذ تعظیم الهی و حیای از او مقهورند. در برابر امیال طبیعی و شهوات نفسانی و آمال فردی خود در رنج و مردم از او راحت باشند. (جعفر بن محمد، ۵۴)

## اخلاص در نیت

هر چیزی که با غیر خود مخلوط نباشد خالص است. اخلاص در نیت به معنای خالص نمودن قصد و انگیزه برای خداست. نیت آنگاه برای خدا خالص می گردد که انسان در عبادت، کار و تلاش خود هیچ انگیزه ای جز خدا نداشته باشد. هیچ عاملی جز تقرب و رضای خداوند او را به انجام عبادت و عمل وادار نکرده باشد. اخلاص در نیت با آگاهی و توجه کامل به خداوند تحقق می یابد زیرا شک و ریا با غفلت از خداوند همراه است. در هر کجا توجه به خداوند نباشد غفلت است در هر کجا غفلت باشد شرک و ریا تحقق یافته است. زیرا روشن است کسی که توجه به مقصد ندارد غافل است.

نیت نیز جز با اخلاص ارزشمند نمی گردد. اخلاص در نیت به این معناست که صاحبش در نظام هستی جز به خداوند دل نبسته، جز برای او تلاش نمی کند.

برای همین در ادعیه معصومین (ع) چنین نیت خالصی را از خداوند مسأله می نمودند. امام حسین (ع) در دعای عرفه چنین می فرماید: «اللهم اجعل ... الاخلاص فی عملی» (عاملی کفعمی، ۱۳۸۳، ۲۵۳). خدایا اخلاص را در عمل و کردارم قرار بده.

در مناجات خمس عشر، مناجات مطیعین چنین آمده است: «اخلص نباتنا فی معاملتك» (قمی، ۱۳۸۰، ۲۵۵). خدایا نیت های ما را در مورد کارهایی که برایت انجام می دهیم خالص گردان.

در فرازی از دعای حضرت مهدی (عج) چنین می خوانیم. «اللهم ارزقنا ... صدق النية» (همان، ۲۳۰) خدایا صدق و صفای در نیت را روزی ما کن.

در دعای توبه امام سجاد (ع) از خداوند متعال طلب ثابت بودن نیت ذکر شده است می فرماید: «اللهم و ثبت فی طاعتک نیتی» (همان، ۲۳۶) خدایا نیتم را در اطاعتت ثابت گردان.

بنابراین این اصل بیانگر آن است که انسان ها هرگونه فعالیت تربیتی را که انجام می دهند به نیت رضای الهی و قصد تقرب به خدا به انجام آن بپردازند. هم چنین برنامه های تربیتی باید به نحوی ترتیب داده شود که انگیزه رضایت خداوند در مرتبی روز به روز فزونی یابد به طوری که او بدون کسب رضایت الهی به اقدامی نپردازد.

**۲. اصل توحید محوری**

خداگرایی و توجه به توحید را می توان ریشه و روح همه اصول تربیت دانست. توجه به خداوند و فرمان های الهی، اصلی است که نظام های تربیتی توحیدی را از غیر جدامی سازد و به جای حاکمیت هوی و هوس، احکام الهی را بر متن و جوهره تربیت تزریق می کند. اصلی ترین وظیفه پیامبران که همگی بزرگترین متصدیان تربیتی بشریت بوده اند، همان توجه دادن مردم به ذات مقدس پروردگار و دور کردن آنها از پرستش طاغوت و شرک بوده است. آنان این اصل را خدشه ناپذیر برای خود می دانستند.

قرآن کریم خدامحوری و دعوت کردن مردم به توحید را از مهم ترین برنامه های پیامبران الهی می داند و در این باره چنین می فرماید: «ولقد بعثنا فی کل امّرسولا أن أعبدا الله وأجتنبوا الطاغوت» (نحل ۳۶). و در حقیقت درمیان هرامتی فرستاده ای برانگیختیم (تابگوید) خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید.

در واقع چنین می توان گفت که انسان برای دست یافتن به یک تربیت الهی و توحیدی و به جای آوردن تحقق عنوان و فعلیت خلیفه اللهی خود پا به عرصه این جهان گذاشته است.

**نقش توحید در زندگی انسان**

آثار عقیده به توحید در زندگی انسان بی شمار است که در اینجا به پاره ای از آثار آن می پردازیم:

توحید درجائی دارد همچون توحید ذاتی و صفاتی و افعالی و توحید در عبادت و...

توحید ذاتی یعنی شناختن ذات حق به وحدت و یگانگی، حال اگر کسی به چنین شناختی برسد می یابد که خدا اجزائی ندارد و لذا به هیچ موجودی نیازمند نیست و همه به او نیاز دارند، او مبدأ و خالق اشیاست: «یا من هو خالق کل شیء» (مفاتیح الجنان، دعای جوشن کبیر) موجودات همه از اویند و به او برمی گردند «یا من کل شیء منیب الیه» (همان). او با همه اشیا است و اشیا با او نیستند «یا من هو قبل کل شیء، یا من هو بعد کل شیء، یا من هو فوق کل شیء» (همان).

نتیجه این که اگر کسی در عمق جاننش این توحید را بیابد و بدان معتقد گردد خود را محتاج و مخلوق می بیند و خدا را مراقب اعمال خود حاضر و ناظر می یابد و این که بالاخره در محضر اوست، چنین انسانی دیگر مرتکب گناه نمی شود و دستورات او را سرلوحه زندگی خود قرار می دهد و خود را آلوده نمی کند. امام حسین (ع) در دعای عرفه با الهام از آیه قرآنی «هو الاول والآخر والظاهر والباطن» (حدید ۳). از یک سو خداوند را باطن می داند که در سرادقات عرش پنهان است و چشم ها توان دیدنش را ندارد: «یا من احتجب فی سرادقات عرشه عن أن تدرکه الأبصار» (سیدین طاووس، ۱۳۶۷، ۳۴۹). ای آنکه در سرپردهای عرشش پنهان است از اینکه چشم ها او را درک کنند. و از سوی دیگر با بصیرت خویش خدا را حاضر و ظاهر معرفی می نماید و می فرماید: «کیف تخفی وأنت الظاهر أم کیف تغیب وأنت الرقیب الحاضر انک علی کل شیء قدير» (همان). چگونه نهانی، درحالی که تو آشکاری، یا چگونه غایبی درحالی که تنها تو نگهبان حاضری. به درستی که تو بر هر چیز توانا ئی. با چنین دیدگاه توحیدی است که بیان می کند: «متی غبت حتی تحتاج الی دلیل یدل علیک ومتی بعدت حتی تکون الاثارهی الی التی توصل الیک، عمیت عین لا تراک علیها رقیبا» (همان) کی غایب شده ای تا نیاز داشته باشی به دلیلی که بر وجودت استدلال شود؟ و کی دور شده ای تا آثار (مخلوقات) رابه تو رسانند؟ کوراست چشمی که تورا نبیند با اینکه تو مراقب او هستی.

کسی که در عبادت موحد است و تنها خدا را سزاوار پرستش می داند «یا من لا یعبد الا هو» (همان). چنین شخصی از اسارت شهوت و مقام و مال و مخلوقاتی مثل خود، آزاد می شود. یعنی دیگر معبود او و هدف او در زندگی چیزی غیر از خدا نیست و لذا بخاطر غیر خدا حاضر نیست ذلت را قبول کند.

انسانی که تمام کارها را در جهان به خدا باز می گرداند (توحید افعالی) و می گوید هیچ موجودی از خود استقلال در تأثیر ندارد و مؤثر مستقل در سراسر عالم هستی فقط ذات پاک خداست در عین حال که تلاش می کند و مبتلا به خمود و تنبلی نمی شود، اهل توکل به خداست و راضی به رضای خداست. و مسلما چنین انسانی تحمل مشکلات برای او آسانتر و زندگی برایش شیرین است و از آرامش خاصی بهره می برد و دائما در اضطراب به سر نمی برد. انسانی که می داند تمام کارها بدست خداست دیگر از چیزی و یا کسی نمی ترسد و میگوید تا او نخواهد، کسی نمی تواند به من ضرری وارد کند و لذا در مقابل هر ظالمی می ایستد.

بنابراین مربی در امر تربیت باید همواره به این اصل توجه داشته باشد، و این اصل را به مرتبی منتقل کند تا او هم محور همه چیز را خدا بداند و کارها را بر اساس آن تنظیم کند و انسانی به تمام معنا عبد و مطیع خداوند شود.

### ۳. اصل اعتقاد به فضل الهی

فضل به معنی زیادتی است. راغب اصفهانی می گوید: هر عطیه ای که بر معطی لازم نیست فضل گویند یعنی احسان و رحمت و عطائی که خدا بر بندگان می کند، بر خداوند لازم نیست بلکه از روی لطف و کرم است لذا به آن فضل گویند که زیادت است و گرنه بندگان حقی در نزد خدا ندارند. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۲۳۴).

اصل فضل بیانگر آن است که نیکی و احسان بر انسان مؤثر است و حتی عامل بازدارنده از رذائل اخلاقی است.

### اهمیت فضل الهی

فضل پروردگار متعال فضلی است فراگیر و گسترده «یا من فضله عمیم» (مفاتیح الجنان، دعای جوشن کبیر) اگر فضل الهی نباشد هیچ موجودی قادر به انجام کاری و بلکه قادر به ادامه هستی نیست، تمام نعمت های الهی را می توان از فضل الهی دانست، یعنی فضل الهی اقتضای چنین انعام نعمتی می کند. اگر فضل الهی نباشد از موجودی چون انسان جز شر و بدی چیزی صادر نمی شود در دعای روز عرفه امام حسین (ع) چنین می فرماید: «الهی این ظهرت المحاسن منی فیفضلک و لک المنه علیّ و این ظهرت المساوی منی فیعدلک و لک الحجه علی» (قمی، ۱۳۸۰، ۴۶۹). خدایا اگر محاسن و نیکی ها از من سر بزند به خاطر آن است که فضل تو شامل حال من شده است و در این حالت تو را بر من منت است و اگر زشتی ها و بدی ها از من آشکار می شود به خاطر آن است که عدل تو چنین اقتضا نموده و در این صورت تو را بر من حجت است.

در دعای بعد از زیارت امام رضا (ع) نیز چنین آمده است: «جللت أن یخاف منک الا العدل و أن یرجی منک الا الاحسان و الفضل فامنن علی بما أوجب فضلک و لا تخذلنی بما یحکم به عدلک» (مجلسی، ۵۷). تو برتر از آنی که جز به خاطر عدل، ترسی از تو باشد و جز فضل و احسان، از تو امیدی باشد. پس پروردگارا بر من منت بگذار با چیزی که فضلت اقتضا می کند و مرا رسوا مساز با چیزی که عدلت حکم می کند.

پس ما آدمیان نباید به چیزی که آنها را سرمایه ها و داشته های خود می دانیم مغرور شویم نباید علم و عقل و هوش و استعداد و ثروت و دیگر امکانات خود را برای فلاح و رستگاری در دنیا و آخرت کافی بدانیم و گمان کنیم مستقلاً می توانیم به جانی برسیم، بلکه در کنار تمام این داشته ها و امکانات باید دست طلب به سوی درگاه خداوند بلند کنیم و خود را فاقد همه چیز معرفی نماییم و از او بخواهیم که با فضل و عطای خودش ما را مستغنی نماید و به سر منزل مقصود رهسپار کند.

تمامی امکانات و سرمایه ها تنها زمانی به کار می آیند که لطف و عنایت الهی شامل حال آدمی باشد، در غیر این صورت خود این امکانات تبدیل به وسایلی برای نابودی و هلاکت آدمی می شوند. قرآن کریم نتیجه عدم فضل و رحمت الهی را چنین بیان می فرماید: «فلولا فضل الله علیکم و رحمته لکنتم من الخاسرین» (بقره ۶۴) اگر فضل و رحمت پروردگار بر شما نباشد هر آینه از زبان کاران و خسارت دیدگاه خواهد بود.

نکته قابل توجه در این زمینه آن است که به دست آوردن فضل خداوند، شرایط و قابلیت های خاص خود را می طلبد و خداوند از فضل بی کران خود برحسب لیاقت افراد به آنها عنایت می کند.

بنابراین تفضل یا احسان ابتدائی مربی، نشان از علاقه مندی او به متربی است و موجب تغییر رفتار در متربی می گردد و او را به راه باز می گرداند. تفضل و احسان ابتدائی بدون منت، سبب می شود که متربی، مربی دوست گردد، و مربی در جان و دل او نفوذ پیدا کند. چنانکه پروردگار هستی چنین رابطه ای با بندگان خویش دارد که از روی فضل بی حساب خود به احسان ابتدائی خلق مشغول، و خلق نیز به تفضل او می نازند.

### ۴. اصل اعتدال

یکی از اصول مهم اخلاق در تربیت اسلامی اعتدال است. اصل اعتدال گرایی بیانگر رعایت اعتدال و توازن در تربیت انسان است. این اصل به نوعی در برگیرنده جامعیت است به این معنا که آنچه در تربیت اسلامی مدنظر قرار می گیرد شامل جسم، روح، فرد و جمع، دنیا و آخرت می باشد.

پرورش جسم و تقویت و سالم نگه داشتن و نیرومند کردن آن از نظر اسلام از ضروریات است. در اسلام از صدمه زدن به بدن منع شده و به نظافت و بهداشت و تطهیر بدن توجه خاصی مبذول گردیده است. فلسفه انجام بسیاری از امور در اسلام از قبیل وضوگرفتن، غسل کردن و تنظیف بدن برمی گردد به اینکه اسلام به پرورش و تقویت و تطهیر بدن توجه خاصی دارد. آنچه در اسلام مذمت شده تن پروری به معنای نفس پروری و شهوت رانی است. (احمدی، ۱۳۸۶، ۱۵).

پیامبر اسلام (ص) میفرماید: «المؤمن القوی خیر وأحب من مؤمن ضعیف» (طباطبایی، ۱۳۸۷، ۶). مؤمن توانمند و نیرومند بهتر و دوست داشتنی تر از مؤمن ناتوان است.

در دعای کمیل می خوانیم: «قوعلی خدمتک جوارحی واشدد علی العزیمه جوانحی» (قمی، ۱۳۸۰، ۱۳۰). خدایا برای انجام خدمتت اعضای مرا نیرو ده و دلم را برای عزیمت به سویت محکم گردان.

امام سجاد(ع) در فرازهایی از دعای ابوحزمه ثمالی به نعمتهای الهی که به بعد جسم انسان و جنبه مادی مربوط می شود اشاره می کند: «انا الصغیر الذی ربیته .....والجایع الذی اشبعته والعطشان الذی ارویته والعیاری الذی کسوته و الفقیر الذی اغنیته والضعیف الذی قویته والذلیل الذی اعزته والسقیم الذی شفیه» (قمی، ۱۳۸۰، ۳۴۴). منم کودکی که پروریدی .... منم گرسنه ای که سیرش کردی و تشنه ای که سیرابش کردی و برهنه ای که او را پوشاندی و فقیری که بی نیازش کردی و ناتوانی که نیرویش دادی و خواری که عزیزش نمودی و بیماری که او را شفا دادی.

توجه به روح و جسم در همه عبادت ملحوظ گردیده است. در نماز غیر از توجه به خدا و استعانت از وی، به طهارت و پاکیزگی بدن به عنوان شرط ورود به آن عنایت شده است. در روزه که هدف عمده آن تقوی و آراستگی روحی است به سلامت بدنی نیز توجه شده است. حدیث پیامبر اسلام (ص) که فرمود: «صوموا تصحوا» (مجلسی، ۱۲۵) روزه بگیرد تا سالم بمانید، بیانگر توجهی است که اسلام به سلامت جسم و بدن دارد.

در دعاها هم از خداوند سلامت جسم درخواست شده است: در فرازی از دعای شب اول ماه رمضان می خوانیم: «اللهم صحح ابداننا من العلل» (قمی، ۱۳۸۰، ۳۲۰). خدایا بدن های ما را از مرض ها سالم نما.

تربیت اسلامی تابع اصالت فرد به تنهایی نیست بلکه تابع جمع هم می باشد. در بسیاری از دعاها ضمیر جمع و الفاظ عموم به کار برده شده است. در دعای روزانه ماه رمضان در تعقیب هر نماز می خوانیم: «اللهم اغن کل فقیر، اللهم اشبع کل جائع، اللهم اکس کل عربان، اللهم اقض دین کل مدین» (قمی، ۱۳۸۰، ۳۲۷). خدایا هر فقیری را بی نیاز گردان. خدایا هر گرسنه ای را سیر نما، خدایا هر برهنه ای را بپوشان، خدایا دین هر مدیونی را ادا کن.

از دیگر ابعاد جامعیت تربیت اسلامی دنیا و آخرت است. در مکتب اسلام دنیا و آخرت نه تنها به یکدیگر متناقض نیستند بلکه مکمل یکدیگرند و برای تکامل انسان هستند. پیامبر اسلام(ص) می فرماید: «انی قد جئتکم بخیر الدنیا والاخره» (مجلسی، ۳۴۶). همانا من برای خیر دنیا و آخرت مبعوث به رسالت شدم.

در قنوت نماز دعا می کنیم و می گوئیم: «ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخره حسنه وقنا عذاب النار» (بقره ۲۵۱) پروردگارا در زندگی این جهان و آن جهان به ما خیر و خوبی عطا فرما.

در دعای ماه رجب بعد از هر نماز می خوانیم «اعطنی بمسألتی ایاک جمیع خیر الدنیا و جمیع خیر الاخره» (قمی، ۱۳۸۰، ۲۷۳). خدایا درخواستی که از تو دارم اینکه تمام خیر دنیا و تمام خیر آخرت به من عطا نمایی.

بنابراین توجه به این اصل که شخصیت انسان دارای ابعاد مختلفی است باعث می شود که در تربیت به همه ابعاد وجود انسان توجه شود و عدم رعایت اصل تعادل موجب شخصیت کاریکاتوری می شود.

## نتیجه گیری

اسلام از جمله ادعیه معصومین (ع) که سرتاسر آنها را معارف اسلامی تشکیل می دهد، مانند سایر مکاتب تربیتی برای تربیت انسان برنامه ریزی کرده است اما از آنجا که اسلام یک مکتب الهی و متصل به وحی است، تمام وجود انسان را آن طور که هست و آن طور که خدا آفرید مورد توجه قرار می دهد و روی شناخت دقیق و همه جانبه از انسان پایه ریزی شده است. لذا بر خلاف دیگر مکاتب تربیتی از یک جامعیتی برخوردار است که تمام امور مربوط به زندگی انسان و همه لحظاتهش را در حیطه روشهای جامع و دقیق خود قرار داده است و با وجود وسعت و گسترش برنامه های تربیت در اسلام هرگز از وحدت هدف و وحدت مسیر منحرف نمی شود. هدف کلی در همه روشها و در تربیت تمام جنبه ها، تقرب الهی است گرچه برای رسیدن به هدف نهائی، مراتبی از رشد و کمال باید تحقق یابد و یک اهداف متوسطی هم وجود دارد اما همه مقدماتی هستند برای خدا گونه شدن انسان و جامعه انسانی. به همین جهت توجه داشتن به خدا محور تمام عقاید اسلامی و محور اصول تربیتی اسلام است. برای اینکه انسانها در تمام مراحل زندگی و در تمام امور با خداوند مرتبط باشند باید از ایمانی قوی برخوردار بوده و به مرحله تقوی برسند، اما برای رسیدن به ایمان قوی و برای رسیدن به تقوی و یقین، بینشی صحیح و عمیق از خدای متعال و ارتباط خود و دیگر مخلوقات با خداوند، لازم است.

با وجود متعدد بودن شیوه های تربیتی، همه در جهت تحقق اهداف تربیتی و بالآخره هدف غائی کلمه همان رسیدن به قرب الهی باشد، انسان را هدایت می کنند. و یک هماهنگی و مناسبت کامل بین اهداف و اصول تربیتی برقرار است و هیچ گونه تشتت



و پراکندگی دیده نمی شود. هدف رساندن انسان به مقام قرب الهی و سعادت مند کردن اوست و اصول زیر بنای این سعادت را تشکیل می دهند.

## منابع و مراجع

### منابع عربی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، المفردات فی الفاظ القرآن، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر کتاب.
- ۴- سید بن طاوس، ۱۳۶۷ش، اقبال الاعمال، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۵- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۶۲ش، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۶- عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، ۱۳۸۳، البلد الامین، بیروت، مؤسسه العلمی للمطبوعات.
- ۷- عاملی کفعمی، ابراهیم بن علی، ۱۴۰۵ق، المصباح، قم، انتشارات رضی.
- ۸- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- ۹- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۴. مفاتیح نوین، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- ۱۰- قمی، شیخ عباس، ۱۳۸۰، مفاتیح الجنان، قم، نشر روح.

### منابع فارسی

- ۱- احمدی، سید احمد، ۱۳۸۶، اصول و روشهای تربیت در اسلام، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- ۲- جهان معین، شکرالله، ۱۳۷۰، تربیت و اخلاق، تهران، انتشارات هاد.
- ۳- دلشاد تهران، مصطفی، ۱۳۸۲، سیری در تربیت اسلامی، تهران، انتشارات دریا.
- ۴- دیلمی، احمد، آذربایجانی؛ مسعود، ۱۳۷۹، اخلاق اسلامی، قم، انتشارات معارف.
- ۵- رهبر، محمد تقی؛ رحیمیان، محمد حسن، ۱۳۷۷، اخلاق و تربیت اسلامی، قم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- ۶- شریعتمداری، علی، ۱۳۸۹، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۷- شکوهی، غلام حسین، ۱۳۷۴، تعلیم و تربیت و مراحل آن، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- شکوهی یکتا، محسن، ۱۳۷۵، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روشها)، تهران، چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.
- ۹- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۸۷، سنن النبی، قم، انتشارات وحدت.
- ۱۰- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات الزهراء.
- ۱۱- موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۶۸، چهل حدیث، تهران، رجا.
- ۱۲- هوشیار، محمد باقر، ۱۳۴۷، اصول آموزش و پرورش، تهران، انتشارات امیر کبیر.